

# راه‌های کمک بشاگردان ضعیف

✪ مطالب پاره‌ای از کتب درسی را حتی اولیا نمیتوانند بفهمند!

✪ بررسی علل ضعف شاگردان در دروس

✪ چگونگی تدریس بدانش آموزان به‌معلمان آموخته نشده‌است

دومین جلسه میزگرد اولیاء و مربیان بمنظور بحث پیرامون «کمک به دانش‌آموزان عقب‌مانده در دروس» ساعت پنج بعد از ظهر روز دوشنبه بیست و چهارم دی‌ماه، با حضور آقای فتح‌اله معتمدی عضو هیأت‌مدیره انجمن ملی اولیاء و مربیان ایران در محل مرکزی انجمن تشکیل گردید .

در این جلسه عده‌ای از مدیران و رؤسای مدارس و اولیای دانش‌آموزان شرکت داشتند . ابتدا خلاصه‌یی از نتایج گفتگوهای جلسه قبل برای کمک بدانش‌آموزان ضعیف

در درس بیان شد . در این گزارش راههائی باین شرح بیان شده بود :

۱- گروه بندی شاگردان کلاسها از نظر قدرت در درس، و توجه و کمک به گروههای ضعیف .

۲- خواستن از معلمان که بیشتر بوظیفه تدریس توجه نشان دهند .

۳- توصیه به پدران و مادران که در تنظیم وقت فرزندانشان برای انجام تکالیف مدرسه توجه بیشتر نمایند و آنان را ب خودآموزی تشویق و ترغیب کنند .

آقای فتح‌اله معتمدی پس از تشکر از حضور شرکت کنندگان در جلسه، با اظهار امیدواری که در مسأله مورد بحث راهنمایی‌های کافی و ثمربخش صورت گیرد، از حاضران

خواستند که نظرات خود را ابراز دارند .

**گروه بندی دانش آموزان آقای مسلم عطیعی** با اشاره به گروه بندی دانش آموزان که در جلسه قبل پیشنهاد شده

بود، این طریق را عالی شمرد، اما کافی ندانست و افزود :

« بعقیده من نکات دیگری

را هم لازمست مد نظر قرار

دهیم . منجمله شناسائی

دانش آموزان و پیدا کردن نکات

ضعف اخلاقی و روحی آنان ،

تا معلوم شود به چه علت در

درس ضعیف شده‌اند . اساساً

در حل هر مشکلی تا نقاط

ضعف و علل را درک نکنیم،

کمتر نتیجه خواهیم گرفت .

یکی هم شناسائی مربی است

که معلوم شود واقعاً تدریس

را دوست دارد یا برای آنکه

شغلی داشته باشد و حقوقی

بگیرد، معلمی را پذیرفته‌است .

مثلا بکلاس می‌آید و بکار و

مطالعه خود می‌پردازد و از

تدریس خبری نیست . از طرفی

چنانچه تعداد شاگردان کلاس

بیش از حد متعادل باشد، باز

هم اگر معلم بخواهد، قادر

نیست به همه شاگردان کلاس

برسد. باید مشکلات معلم خوب را هم مانند دوری راه و کمی حقوق در نظر گرفت و در رفع آن کوشید. اگر همه این مسائل حل شد، آنوقت در کار معلم ارزشیابی لازم است، و به او هم مانند شاگردان در پایان سال باید کارنامه بدهند. اصل تشویق و تنبیه در نظر گرفته شود. این امر هم در پیشرفت کار مؤثر است.»

**آقای غلامعلی سیروس**  
معتقد بود علاوه بر نظام آموزشی و وظایف دبیران، مسأله تنظیم کتب درسی هم که از ارکان اصلی درس است، می بایست مورد توجه باشد - ابتدا کتاب است و بعد وظایف معلمان .

**آقای سیروس اظهار داشت :**  
«متأسفانه ضعف تألیف و تفصیلات زائد کتابها که خارج از هدف است، دانش آموز را گیج و سردرگم می سازد، درست مانند کسی که چشمانش را ببندند و در خیابانها و کوچه های پر پیچ و خم بگردانند، و بعداً چشمانش را باز کنند و از او بخواهند راههایی را که رفته است بگوید. تکالیف و وظایفی هم که

برای دانش آموزان تعیین شده سنگین است و تمام وقت شاگردان را می گیرد، و ای بسا تمام وقت خود را هم صرف کنند، موفق به انجام تمام تکالیف نشوند .

**مسأله دیگر نظام مدرسه** و شهریه های سنگین مدارس است، که باید مورد توجه قرار گیرد و بر مبنای ضابطه یی باشد. متأسفانه گاه معلمان بدون سواد کافی هم مشاهده می شوند . در مورد کتب درسی این را هم بگویم که اصولاً منطبق معلم را در تألیف این کتابها نادیده گرفته اند و آنقدر تمرینات پرپیچ و خم و معضل داده اند که معلمان فرصت شرح دادن نمی یابند و همانطور که گفتم مطالب مبهم و بی روح است، حتی معلمان بسیار خوب هم از مطالب این کتابها سر در نمی آورند ..»

**آقای مهندس تهرانچی زاده**  
ضمن تأیید سخنان آقای «سیروس» گفت :

«وقتی مطالب این کتابها برای پدر و مادرها مفهوم نباشد و پرسش های فرزندان از آنها بدون پاسخ بماند، بی تردید اعتقاد فرزندان از پدر و مادرشان سلب خواهد شد .

**آقای مهندس تهرانچی زاده**  
همچنین از اینکه تبلیغ در امر آموزش و پرورش هم وارد شده است و مانند تجارت هزینة تبلیغ تحمیل به مصرف کننده می شود، و نیز از چگونگی اداره و رفتار اولیاء بعضی مدارس انتقاد کرد . ایشان گروه بندی دانش آموزان را بمنظور کمک به گروه های ضعیف در کلاسها مفید دانست و متذکر شد که می بایست این مطلب را هم مد نظر داشت که آیا گروه های ضعیف احساس حقارت نخواهند کرد. آقای مهندس تهرانچی زاده در پایان سخنان خود به روابط معلم و شاگرد اشاره کرد و گفت: «زمانی معلم برای ما خدای دوم بود . اما اکنون شکاف معنوی بین استاد و شاگرد بوجود آمده است . با وجود این شکاف، و با توجه باینکه تنبیه بدنی هم ممنوع است، شاگرد به درس خواندن نمی پردازد . از طرفی، بازگشت به روابط شاگرد و معلم در زمانی که ما تحصیل می کردیم مقبول نیست . پس در حال حاضر می بایست رابطه یی بین معلم و شاگرد بوجود بیاید که شاگرد بدون احساس ترس، و با آزادی کامل مشکلتش را با معلم در میان بگذارد و از او کمک

بخواهد.»

**آقای غلامعلی سیروس**،  
رفتار اشتباه آیز اولیاء بعضی  
مدارس را مورد انتقاد قرار داد  
و گفت :

«در مدرسه‌یی، از بلندگوی  
مدرسه شنیدم که به  
دانش‌آوزان سیکل دوم توصیه  
میکرد چنانچه مشاهده کردند  
دانش‌آوزان سیکل اول  
برف بازی می‌کنند، آنها را تنبیه  
کنند و حتی گوینده می‌گفت :  
«همانجا آنها را برزید، جوابش  
با من» منظورم اینست که وقتی  
نظرات را هم با اولیاء مدارس  
 مطرح می‌کنیم، از اشتباهات  
خود دفاع می‌کنند.»

**آقای دکتر علیرضا حکمت**،

در زمینهٔ مسأله مورد بحث  
جلسه اظهار داشت :

«برای حل مسائل و  
پدیده‌های اجتماعی دو راه  
وجود دارد : یکی مداوا و  
دیگری پیشگیری، من همیشه  
به دومی فکر می‌کنم. در مورد  
مسأله مورد بحث، از نظر مداوا  
پیشنهادهایی شده، اما نظر  
غائی پیشگیری است . برای  
این کار باید قانون علت و معلول  
را در نظر بگیریم، و اگر علت  
را یاقیم، می‌توانیم اصلاح  
کنیم . بنظر من گروه قوی و

ضعیف موجود نیست . برای  
اینکه اگر بچه‌ها بیمار نباشند،  
همه دارای یک اندازه انرژی  
و نیروی فکری هستند، بگذریم  
که در همه جوامع نابغه و  
تندذهن و کندذهن وجود دارد.  
بچه‌یی ضعیف می‌شود که بیمار  
است . در غیر اینصورت ضعیفی  
وجود ندارد . پیدا کردن ضعف  
هم، دشوار نیست . در چند  
نکته است . یکی وضع زندگی  
خانوادگی بچه‌ها، و رل مهمی  
که خانواده در تربیت بچه  
دارد . من پیش از آنکه به  
آموزش نکرکنم، به پرورش  
فکر می‌کنم . چون ممکنست  
یک دانشمند علم فیزیک مفید  
بحال جامعه نباشد . بهرحال،  
یکوقت هست که پدر و مادرها  
قادر نیستند بچه‌ها را خوب  
تربیت کنند . ما همیشه کنترل  
و توییح را برای بچه‌ها قائلیم  
و هیچگاه نگفته‌ایم پدر و  
مادرهای متخلف در امر تربیت  
را هم توییح کنیم . دیگر  
درباره معلمین، که می‌بایست  
اصول تعلیم و تربیت را بدانند.  
واقعیت اینستکه متأسفانه عده‌یی  
از معلمان با شاگردان آنگونه  
رفتار نمی‌کنند که بچه‌ها را  
آدمی مفید پرورش دهند .  
عامل دیگر متد تعلیم و  
تربیت است، که مشاهده می‌شود  
متد معینی نیست و هرکس با

میل و سلیقه خود درس می‌دهد.  
یک مسأله دیگر، محتوای  
برنامه‌های درسی است که  
می‌بایست در زمینهٔ اصول  
اجتماعی و زندگی خانوادگی،  
و بزندگی شاگرد مربوط باشد .  
مسأله دیگر، بیان جمله است  
هرکس یک نوع جمله را بیان  
می‌کند، و شاگرد جملاتی را از  
آموزگار می‌شنود که در منزل  
نمی‌شنود و در کتاب هم همان  
جمله فرم دیگری دارد .  
واضح تر بگویم جملات ما مرتب  
نیست . بهمین دلیل برای  
بچه‌ها ملال‌آور و خسته‌کننده  
می‌شود . مسأله دیگر واژه‌های  
نامأنوس در کتابهای درسی است  
که لازمت این واژه‌های  
نامأنوس وجود نداشته باشد .  
شگفت اینکه واژه‌هایی در  
کتابها آورده‌اند و در پایان  
کتابها واژه‌نامه گذاشته‌اند ،  
و شاگرد همانطور که زبان  
خارج می‌آموزد، می‌بایست  
برای هر لغت به واژه‌نامه  
مراجعه کند . باز، مسأله دیگر  
بیان معلم است. لازمت معلم  
قدرت بیان داشته باشد . شاید  
سوال شود که چنین افرادی را  
از کجا بیآورند . من پاسخ  
این را نمی‌دانم، اما این را  
می‌دانم همانطور که برای  
رادیو و تلویزیون افراد  
خوش صدا را استخدام می‌کنند

معلم هم می‌بایست قدرت بیان داشته باشد. از طرفی متأسفانه بعضی از معلمان در مقابل تجدید سوال شاگرد ناشکیبا و کم‌حوصله هستند و شاگرد هم که از خدا می‌خواهد نپرسد. یک مسأله مهم دیگر، عقده‌ها و کینه‌توزی‌هاییست که ناخودآگاه و نسنجیده نسبت به شاگرد پیدا می‌کنند و موجب گریز شاگرد از درس و کلاس می‌شود. مسأله دیگر تغذیه بچه‌هاست. بچه‌هایی که مستمراً ناهار ساندویچ بخورد، مواد غذایی لازم به بدنش نمی‌رسد. در کشورهای اروپائی و آمریکائی برای افراد مختلف، غذاهای مختلف تعیین شده است. دیگر محیط زیست است که در عقب افتادگی و پیش‌افتادگی نقش عمده‌یی بازی می‌کند. بچه‌ها مانند نهال می‌مانند آنچه برای نهال لازمت، آب، هوا، غذا، خاک و مواظبت است. اگر این عوامل نباشد نهال خشک میشود و بدون ثمر و سایه و طراوت. گروه‌بندی شاگردان درمان‌هست، اما پیشگیری نیست از طرفی عقده هم بوجود می‌آورد حتی دیده‌ایم اگر معلمی از شاگردی تعریف کند، شاگردان دیگر هم‌کلاسی خود را طرد و حتی آزاری می‌کند. بنظر من اگر شاگردان قوی یک کلاس

شاگردان ضعیف‌تر را کمک‌کنند، بهتر است. ضمناً بی‌اعتنائی معلم نسبت به شاگردی که ضعیف‌تر است باعث عقب‌افتادگی بیشتر او خواهد شد.



**آلای احمد بیرشک،** با اشاره به مشکلات موجود و جامعه ما که با سرعت در حال تحول و پیشرفت است و بهمین نسبت توقع‌ها بالا و درانتظار اینکه هرچه زودتر همه مشکلات حل‌شود، اظهارداشت: « باید به‌بینیم در وضع موجود، با این معلمان و شاگردان چگونه میتوان بشاگردان ضعیف کمک کرد. در مذاکرات جلسه پیش‌سه‌راه پیشنهاد شد، که البته خویست و بیبایست این راه‌ها را با اطلاع اولیاء مدارس و معلمان و پدران و مادران رساند. در مدارس ملی، بعضی‌ها ممکنست از نظر مالی ضعیف باشند که نتوانند برای شاگردان کار مهمی انجام دهند. بعضی‌ها هم ممکنست پول زیادی بگیرند، اما خدای ناکرده، بعلت علاقه بی‌پول برای شاگرد خرج نکنند ولی بسیاری مدارس پول زیادی می‌گیرند و برای شاگرد ضعیف هم کلاس فوق-العاده تأسیس می‌کنند. اما

در مدارس دولتی چه راهی را میتوان برای کمک به این شاگردان انتخاب کرد؟... من تصوری کنم مدارس دولتی بیبایست متصل به انجمن‌های همکاری خانه و مدرسه بشوند و گاه هم از وزارتخانه کمک بگیرند و آنوقت معلم معین‌کنند که به این نوع شاگردان کمک کند. ضمناً ما باید به آگاهی معلمان برسائیم که خودآموزی را بشاگردان بیاموزند. حق اینست که انجمن ملی اولیاء و مربیان در این زمینه اقدام کند. متأسفانه به معلمین نیا سوخته‌اند که چگونه بشاگردان تدریس کنند البته ایرادی به آموزش و پرورش نیست. ملتی که چند قرن عقب بوده حالا دارد با سرعت خود را به عظمت و تمدن بزرگ میرساند. خوب، در چنین شرایطی نمیتواند آنگونه که دلخواه است، به تعداد مورد نیاز، که خیلی زیاد است، معلم پرورش دهد. بهر حال راه صحیح اینست که در مدارس سعی کنیم معلم را از طریق نیت انسانی بکمک بشاگردان و اداریم. بمدارس توصیه کنیم و حتی در روزنامه‌ها و تلویزیون

بقیه در صفحه ۳۹

تا در وضع استخدامی شان مؤثر باشد و از طبقه بالاتری هم همسر انتخاب کنند. وزارت علوم باید باین مسأله توجه کند، و امید است با بررسی هائی که میشود، مسائل حل شود. البته برای حل این مشکلات زمان لازم است. دانشجویان هم نمیایست استادان را برنجانند. زیرا استاد قصد و غرض ندارد. گرچه بعضی از استادان غیر قابل انعطاف میباشند، اما همه اینطور نیستند باید تحمل کرد. ما آنچه در اینجا مطرح میشود نتیجه گیری می کنیم و به وزارت علوم و آموزش عالی میفرستیم. توصیه من اینست که اسیدوار باشید و همانطور که بسیار کارها انجام شده، این مشکلات هم حل خواهد شد.

آقای دکتر عظیمی - خوشبختانه همه اسیدوار هستیم و با توجه به اقداماتی که انجام شده، مدانیم این مشکلات هم رفع خواهد شد. اما بهرحال ما اشکال را در اینجا مطرح میسازیم و سعی میکنیم راهی برای حل آن بیابیم.

این جلسه در ساعت هشت بعد از ظهر پایان یافت.

می بخشد و هرکس بطرف استعدادش هدایت میشود. اما البته معلم هم باید خودش آگاه باشد. مسائل فکری را باید بازمینه فکری شروع و اجرا کرد مشاهده می کنیم که این روزها واقعاً تلاش می شود لیکن اگر ایده آل نیست، شاید دلیلش این باشد که همه امکانات وجود ندارد. مثلاً پول پیدا کردن آسان است، اما آدم یافتن مشکل معلم باید عاشق معلمی باشد می بینیم برای استخدام معلم آگهی میدهند وعده بی که شغل نیافته اند، به این کار بسیار مهم مبادرت می ورزند.

ضمن تشکر از دوستان عزیز که به انگیزه علاقه به ما و فرزندان این مملکت در این جلسه حضور یافتند و نظرات خود را بیان داشتند، باید بگویم که نظرات مفیدشان را برای مقامات مربوط خواهیم فرستاد و مسلماً مورد توجه قرار خواهد گرفت.

این جلسه در ساعت هفت و نیم بعد از ظهر پایان یافت.

هم راه خود آموزی را نشان دهیم که بچه ها خودشان بخوانند.

## انعکاس نظرات

آقای فتح اله معتمدی عضو هیات مدیره انجمن ملی اولیاء و مربیان، باتشکر از ابراز نظرهای حاضران، اظهار داشتند. « خوشبختانه میزگرد هائی که تاکنون در انجمن تشکیل شده پیرامون مسائل مختلف بحث و بررسی گردیده، در حد امکان نتایج نیکوئی بخشیده است. در این جلسات مطالب و نظرات با کمال صراحت و روشنی بیان می شود، و در پایان آنچه را که اکثریت حاضران - که خوشبختانه صاحب نظر میباشند - پذیرفته برای مقامات مربوطه و انعکاس در مطبوعات ارسال می شود.

خاطرم هست وقتی در مقامی بودم، که برنامه راهنمایی را پیش از اجرا برای من فرستادند و خواندم و توجیه شد، آنرا پسندیدم. واقعا بچه ها را از سرگردانی نجات